

آینة

کیمیا

قیمت برجام یک ششم قیمت یک فوتبالیست؟!

یکشنبه آینده، سرسید ضرب‌الاجل دوماهه ایران به اروپاست. تصمیم راهبردی را نمی‌توان و نباید به‌خاطر رفتار تاکتیکی و عملیات تأخیری حریف، معطل گذاشت، ما پس از خروج آمریکا از برجام، ۱۲ ماه صبر پیشه کردیم. اما صبر دولت ما، آمریکا را اروپا را گستاخ‌تر کرد، به‌جای آنکه به عقل و عهد برگرداند. آمریکا در این مدت، در حال بازگرداندن تحریم‌ها بود. دولت‌های خبیث اروپایی نیز امیدوار بودند همراهی با فشار حداکثری آمریکا در قالب نقض تعهدات، ایران را از موضع ضعف، دوباره پای میز مذاکره بیاورد تا این بار، عقب‌نشینی از نفوذ منطقه‌ای و واگذاری توانمندی بازدارنده دفاعی را بپذیرد. اگر هم کار به بی‌ثباتی در ایران می‌کشید، باز هم مطلوب آنها در جبهه صهیونیسم مسیحی بود.

اعتراض

روابط مسکو-واشنگتن

صابر گل‌عنبری: امروزه فارغ از این بحث‌های شخصی میان ترامپ و پوتین، دو کشور آمریکا و روسیه بیشتر از گذشته در منطقه، اشتراک منافع پیدا کرده‌اند. هر دو قدرت هم به نوعی رویکردی مشابه در قبال تحولات سال‌های اخیر در جهان عرب در پیش گرفته‌اند و همین مسئله آنها را در مناطق پرآشوبی چون لیبی در کنار یک طرف علیه دیگر طرف‌ها قرار داده است. این اشتراک منافع امروزه به گونه‌ای است که هر دو کشور را در کنار هم‌پیمانی مشترک قرار داده است. روسیه در سال‌های اخیر به شکل قابل توجهی به هم‌پیمانان آمریکا در منطقه نزدیک شده است؛ از اسرائیل گرفته تا مصر، عربستان، امارات، قطر و غیره. البته این مسئله به همان اندازه که گویای تقارب دیدگاه‌های دو طرف آمریکایی و روسی به مسائل منطقه است، به معنای تلاش مسکو برای گرفتن جای واشنگتن در روابط با این کشورها نیست. در این میان، آنچه اهمیتی مضاعف پیدا کرده است، جایگاه متغیر اسرائیل در روابط منطقه‌ای واشنگتن و مسکو است. البته سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا همواره از دهه هفتاد میلادی قرن گذشته بر پاشنه این متغیر چرخیده است؛ اما به نظر می‌رسد با درجه‌ای پایین‌تر و متفاوت‌تر روسیه نیز به نوعی به این سمت در حال حرکت است.

ایران

مرز ظریف تفکیک قوا

وظیفه دستگاه قضائی در اصل دآوری و قضاوت نسبت به شکایات و تخطی از قانون است و هیچ دخالتی در امور اجرایی و سیاست‌گذاری آن نمی‌تواند داشته باشد. همچنین صدور احکام کلی و غیرموردی مثل فیلترینگ محل تأمل و دخالت در امور غیرمرتبط است. با این حال براساس اصل ۱۷۴ قانون اساسی قوه قضائیه موظف است که برای حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری «سازمان بازرسی» را تشکیل دهد که وظیفه این سازمان چیری فراتر از دآوری براساس تخطی از قانون است. این اصل با این هدف تصویب شده که دستگاه قضائی ابزار کافی برای اجرای وظیفه اصلی خود را داشته باشد و با تهیه گزارش‌هایی از روند امور دستگاه‌ها به نظارت قضایه بپردازد. ولی آنچه در عمل مشاهده شده است، نوعی تفکیسر مویع از این اختیارات است که در برخی از موارد به امور کارشناسی و اجرایی ورود کرده و تنه می‌زند. اگر یک سد در جایی احداث شود، فارغ از اینکه جابایی و تخصیص منابع برای آنجا درست یا نادرست باشد، وظیفه این سازمان دخالت در این مسئله نیست، بلکه وظیفه آن رسیدگی به فرآیندی است که مقام اجرایی برای رسیدن به این نتیجه طی کرده است. مثلا اینکه آیا تمامی مقررات و قوانین در این جابایی و تخصیص منابع انجام شده است یا خیر؟ اینکه یک قطار دیر می‌آید یا حتی تصادف می‌کند، باید از خلال رسیدگی فرآیندی نظارت شود و نه از طریق دخالت کارشناسی.

تاریخچه

سردرگمی در رفتار، ابهام در چشم‌انداز

آرمان فرها، کارشناس روابط بین‌الملل: بی‌شک راه ایران تا انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا همان راهبرد «نه جنگ و نه مذاکره» است. این مسیر می‌تواند به نتیجه برسد اگر «رهبر اتحاد» استراتژی مکمل آن باشد. این اتحاد، دارای ۴ جنبه اساسی است؛ یک جنبه از آن اتحاد در داخل و میان نیروهای سیاسی داخل است و جنبه دیگر آن شکل‌گیری یا قوام هر چه بیشتر اتحادهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ازجمله با چین، روسیه، ترکیه و همچنین کشورهای عرب حوزه خلیج‌فارس مانند عراق، قطر، عمان و کشورهای اروپایی برای کشیدن یک دیوار حفاظتی علیه تحریم‌ها و جلوگیری از تعرضات احتمالی ایالات متحده. حفظ برجام و عمل در چارچوب آن باید هدف سیاست‌های خارجی دولت قرار گیرد و از راهکارهای دیپلماتیک جهت ترغیب طرف اروپایی به انجام تعهدات خود استفاده شود که در مورد اخیر کاهش تعهدات برجامی و مهلت دوماهه ایران به اروپا نمونه آن را مشاهده کردیم. خروج ایران از برجام خواست آمریکاست و این خروج (حتی اگر حق با ایران هم باشد) می‌تواند موجب انتلاف علیه کشور شود و باید در قبال این تصمیم لاقال تا انتخابات پیش‌روی آمریکا با احتیاط رفتار کرد.

۱ یکی از چالش‌های سیاست خارجی ایران، تفکیک

فعالیت‌های دستگاه دیپلماسی با نیروهای نظامی است. میزان نفوذ و تأثیرگذاری هرکدام از این نهادها به اندازه‌ای است. چه زمانی این نفوذ بیشتر یا کمتر شده است؟

هر موفقیت بزرگی برای یک کشور در سطح بین‌المللی، بدون نقش کلیدی دیپلماسی بی‌معنی است. موفقیت اقدامات نظامی یا مقاومت‌ها در برابر فشارهای خارجی بدون دیپلماسی قدرتمند نتیجه‌بخش نیست و لزوما منجر به اقتدار و عزت ملی نمی‌شود. در گذشته بارها عملکرد ایران در رابطه با بحران عراق و افغانستان را با عملکرد ایران در سوریه مقایسه کرده‌ام. مسلما نقش ایران در تحولات سوریه بسیار کلیدی‌تر از افغانستان و عراق بوده است. ایران به‌عنوان تنها نیروی روی زمین، به‌جای همه جامعه جهانی با ترویرست‌های بین‌المللی داعش جنگیده و این تهدید بین‌المللی صلح و امنیت را از جایگاه خود به زیر کشیده است. ایران در قبال این پیروزی نه‌تنها تمجید شد بلکه به‌سرعت تحت فشار بین‌المللی قرار گرفت. نه اروپایی‌های زخم‌خورده از جنایت داعش و هجوم آوارگان سوریه به مرزهایشان، از ایران تمجید درخوری کردند و نه رئیس‌جمهور جدید آمریکا که در مبارزات انتخاباتی‌اش می‌گفت بر سر مبارزه با داعش در سوریه با ایران هم‌نظر است. خروج هژمان آمریکا از برجام با تقریبا نهایی‌شدن پیروزی نظامیان ایرانی در برابر داعش در سوریه و عراق، پیام تکان‌دهنده‌ای بود که نادیده گرفته شد. برخلاف عراق و افغانستان که تحولاتش بدون تلفات انسانی نظامیان ایرانی، باعث ارتقای منزلت جمهوری اسلامی ایران و از جمله نظامیان ایران شد، در سوریه نه‌تنها کار بسیار دشوار و پرهزینه نظامیان ایران تمجید نشد بلکه با

تحقق آن بزرگ‌ترین فشارهای بین‌المللی علیه ایران آغاز شد. تفاوت کلیدی این تحولات، در کاهش نقش مدیریت دیپلماتیک ایران در سوریه است. من تردید ندارم که اگر در سوریه نظامیان و مسئولان دیپلماسی کشور، وظایف خود را در چارچوب قانونی و تعریف‌شده خود انجام می‌دادند، پیروزی بزرگ نظامیان ایران در سوریه کاملا برخلاف وضعیت کنونی، باعث توقف فشارهای بین‌المللی علیه ایران می‌شد. همان‌گونه که یک مقام سابق وزارت خارجه‌کشورمان در مصاحبه تشریح کرده است، ایران بر سر تحولات و بحران‌های بزرگ و مهمی مانند افغانستان و عراق و پیش از آن حتی یوسنی، با مقامات آمریکایی مذاکره مستقیم و بی‌واسطه کرده است و هنوز هم در شرایط ضروری به شکلی از اشکال دیپلماتیک، در این کشورها میان مقامات ایران و آمریکا مذاکره می‌شود. مذاکره در حضور دیگران یا بدون حضور دیگران، مذاکره رسمی یا غیررسمی، مذاکره مستقیم یا غیرمستقیم، مذاکره در چارچوب سازمان ملل یا دوجانبه، همچنین مذاکره بی‌واسطه، هم‌ه‌اش مذاکره است و هم‌ه‌اش دیپلماسی است.

توجه داشته باشید که حتی در وضعیت جنگی میان کشورها نیز دیپلماسی نقششی حیاتی دارد و ابزار مهم تأمین اقتدار و امنیت ملی است. در دوران جنگ تحمیلی عراق و ایران، باوجودآنکه بار بسیار سنگین دفاع از کشور بر دوش مردم و داوطلبان و نظامیان کشور بود؛ اما نقش دیپلماسی اهمیت زیادی داشت. در تمامی طول جنگ به‌ویژه بعد از آزادی خرمشهر، دیپلماسی به موازات فعالیت‌های بزرگ نظامی دنبال می‌شد. حتی گاه فرماندهان نظامیان معترض می‌شدند که مطرح‌شدن مذاکرات صلح در هر حدی، باعث کاهش انگیزه نیروهای داوطلب برای حضور در جبهه‌ها می‌شود. اما دیپلماسی ضرورت اجتناب‌ناپذیر تحقق اقتدار ملی و امنیت ملی و حتی دفاع از تمامیت ارضی کشور بود.

تصور کنید که در سال ۱۳۶۷ قطع‌نامه ۵۹۸ با چارچوب نهایی آن که منافع و امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران را تأمین می‌کرد، وجود نداشت تا امام خمینی با پذیرش آن نقطه پایان جنگ را تعریف کند. مسلما ایران با مشکلات خیلی جدی‌تری مواجه می‌شد و ممکن بود که پذیرش آتش‌بس هزینه‌های بسیار زیادی به ایران تحمیل کند. فعالیت‌های دیپلماتیک ایران در یک فرایند طولانی تأثیر زیادی در محتوای نهایی قطع‌نامه ۵۹۸ داشت. بدون این تلاش‌های دیپلماتیک حاصل همه مجاهدت‌های رزمندگان می‌توانست برای کشور کافی نباشد و حقوق ایران را تأمین نکند.

۲ در راستای همین محور، ماجرای سفر آقای اسد به تهران در اواخر سال گذشته، بحث تفکیک فعالیت‌های دستگاه دیپلماسی با نیروهای نظامی را دوباره بین جامعه نخبگان که مسائل سیاست خارجی را دنبال می‌کنند، آیا تأثیرگذاری این نیروها اکنون نسبت به سال‌های قبل تغییر کرده است؟
بله. البته نقش نظامیان به‌ویژه در سیاست خارجی

دیپلماسی

محسن امین‌زاده در گفت‌وگو با «شرق»:

پیروزی نظامیان ایران در سوریه نادیده گرفته شد



محسن امین‌زاده، نماینده مجلس

زینب اسماعیلی: محسن امین‌زاده اگرچه چهره‌ای آشنا در عرصه سیاست خارجی است، اما به واسطه حوادث رخ‌داده در یک دهه گذشته سیاست داخلی نیز بسیاری او را می‌شناسند. دیپلمات باسابقه‌ای که مسائل کشور را با نگاهی علمی و مبتنی بر اصول روابط بین‌الملل تحلیل می‌کند. متولد مشهد و در دهه هفتم زندگی است. عمده دوران کاری و فعالیت دیپلماتیک و سیاسی او تا اواخر دولت اصلاحات است. در دولت میرحسین موسوی، مشاور بین‌الملل بوده؛ در دولت هاشمی‌رفسنجانی، معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و وقت یعنی سیدمحمد خاتمی بوده و در دولت اصلاحات نیز معاون وزیر خارجه. در قسمت اول گفت‌وگو با او که روز گذشته منتشر شد، به بحث رابطه ایران و آمریکا و راهکار برون‌رفت از وضعیت فعلی پرداختیم. در بخش دوم که امروز و در این صفحه می‌خوانید، به موضوع تفکیک وظایف بین دستگاه دیپلماسی و دستگاه‌های دیگر، به‌ویژه حوزه نظامی پرداخته‌ایم. بهانه بررسی این موضوع، ماجرای حاشیه‌ساز سفر بشار اسد به تهران در اسفند سال گذشته بود.

منطقه‌ای کشور از زمان دولت احمدی‌نژاد در وضعیت حداکثری بوده است؛ ولی ماجرای سفر رئیس‌جمهور سوریه میزان این نقش در دیپلماسی را پررنگ نشان داد. به دلایل امنیتی سفر آقای اسد باید در فضایی به‌کلی سری انجام می‌شد؛ اما وقتی وزیر خارجه ایران پس از پایان سفر پرشتاب اسد به تهران و بازگشتش به دمشق، در انجام آن مطلع شد و جامعه با چنین وضعی مواجه شد، هیچ جای توجیهی برای آن عملکرد باقی نمانده بود. وزیر خارجه در هر کشوری در بالاترین رده اطلاعاتی کشور قرار دارد. حیطه‌بندی اطلاعاتی او از بالاترین مقامات نظامی بالاتر است و معمولا تنوع اطلاعات سری حوزه کاری او، به‌مراتب وسعت بیشتری نسبت به اطلاعات نظامی سری نظامیان دارد. حذف وزیر خارجه از فرایند دیپلماسی سفر اسد با هیچ توجیهی از جمله توصیه امنیتی اصلا قابل قبول و قابل درک نبود؛ اما در پی آن

۱

ماجزا نیز تغییری ایجاد نشد. منشأ وضعیت کنونی به دولت احمدی‌نژاد بازمی‌گردد. در دولت اول احمدی‌نژاد عملکرد سیاست خارجی دولت بسیار بد بود. در این دوره بخش بزرگی از بهترین، کارآمدترین و شجاع‌ترین دیپلمات‌های کشور از وزارت خارجه اخراج یا خارج شدند. در این وضعیت برخی از دیپلمات‌های تواناتر با پیشینه نظامی و امنیتی با تکیه بر پیشینه خود، توانستند به

کارشان ادامه دهند، عملکرد برخی از آنان هم از بسیاری از مدیران غیرنظامی منصوب دولت احمدی‌نژاد در وزارت خارجه بهتر بود؛ اما مسئله‌ی وقتی شروع شد که آنها باور کردند نیاز به مدیریت دیپلماسی ندارند، در حدی که با رفتن دولت احمدی‌نژاد نیز تن به مدیریت دیپلماسی دولت روحانی ندادند.

به نظر من حتی اگر نظامیان در کسوت و منش و روش دیپلماتیک مسئولیت دیپلماسی کشور را بر عهده بگیرند، ممکن است از وضع کنونی بهتر باشد. درهرحال دیپلماسی و نظامی‌گری دو حرفه و تخصص بسیار ضروری، حساس، مهم و کاملا متفاوت برای تأمین منافع ملی و امنیت ملی است؛ حتی اگر گاه به‌ظاهر، صحنه عمل دو حرفه مشترک داشته باشند.

۲ حالا با ماجرای ساقط‌کردن پهباد آمریکایی، مسائل شکل دیگری به خود گرفته است. اگرچه باید بحث دفاع از حریم هوایی کشور را در این بین لحاظ کرد. با این ملاحظه این سؤال را مطرح می‌کنم که به نظر شما نقش نیروهای نظامی اکنون نسبت به سال‌های قبل تغییر کرده است؟

دفاع از مرزها و حریم هوایی کشور یک مأموریت نظامی است. بی‌تردید نظامیان موظف به واکنش نسبت به هر حرکت چغافلگیرانه در چارچوب مأموریت‌های خود هستند. ساقط‌کردن پهباد متجاوز به قلمرو ایران

که سلاح به دست دارد در چارچوب نیروهای مسلح قرار می‌گیرد و عناوین ثانویه هویت او را تغییر نمی‌دهد. هرکس که سلاح دارد مشمول تفکیک وظایف نظامیان در همه دنیا می‌شود. تفکیک وظایفی که امام خمینی در وصیت‌نامه خود به دقت ترسیم کرده‌اند، در فعالیت‌های برون‌مرزی نیز حیطه‌بندی‌ها کاملا شفاف است. همه مقامات نظامی و امنیتی و اطلاعاتی کشورها در خارج از کشور در چارچوب و تحت مدیریت سفیر، یعنی نماینده سیاسی و رئیس دیپلماسی کشور فعالیت می‌کنند.

۲ بحث تفکیک قدرت و نفوذ بین نهادهای نظامی و نهاد دیپلماسی موضوع خاص کشور ما نیست. اگر با این گزاره موافقید به موضوع تفکیک وظایف بین این دو نهاد در کشوری مثل آمریکا بپردازیم؛ مثلا بحث اعزام نیرو به خلیج‌فارس در ماه گذشته در آمریکا یا تصمیم به حمله نظامی یا صدور فرمان عدم حمله، این اواخر در آمریکا داغ بود و نهایتا به نتیجه رسید. به نظر شما وقتی سطح تصمیم‌گیری به این شرایط می‌رسد، دستگاه دیپلماسی نقشی دارد یا فقط تریبون اعلامی است؟

مسلما اقدامات نظامی تحت مدیریت نظامیان انجام می‌شود. اگر قرار است نیرو اعزام شود، این نیروها تحت فرماندهی نظامیان اعزام می‌شوند و در حوزه استقرارشان نیز تحت فرماندهی فرماندهان نظامی هستند، اما اعزام نظامیان یک کشور به سرزمین دیگر بخشی از سیاست خارجی آن کشور است و همه برنامه‌ریزی‌های دیپلماتیک برای ایجاد زمینه اعزام نیروها تحت مدیریت وزارت امور خارجه آن کشور انجام می‌شود. به شکل متعارف نظامیان در خارج از کشور در چارچوب‌های خود تحت نظر مدیریت دیپلماسی آن کشور حضور می‌یابند و فعالیت می‌کنند. معمولا نهادی مثل شورای‌عالی امنیت ملی در ایران نیز وظیفه تصمیم‌گیری‌های کلان و هماهنگی‌های کلان میان نهادهای سیاسی، نظامی و امنیتی را برعهده دارد. مسئولیت تمامی فعالیت‌های ضروری دیپلماتیک نیز برعهده وزارت امور خارجه است. اگر وزیر خارجه یک کشور خارجی به‌جای ارتباط با وزیر خارجه کشور و به هر دلیلی با مقام نظامی آن کشور ارتباط برقرار کند، این اقدام او به منزله اهمیت‌دادن به مقام نظامی نیست، بلکه چنین اقدامی به قصد توهینی دیپلماتیک نسبت به دولت و به وزیر خارجه و به مقام نظامی آن کشور است.

در سال ۲۰۱۱ دولت اوپاما تصویری از اتاق وضعیت ویژه یا اتاق بحران کال سنفید را در زمان سری‌ترین عملیات حمله کماندویی ارتش آمریکا به مخفیگاه بن‌لادن در منطقه نظامی نزدیک اسلام‌آباد در پاکستان منتشر کرد. هدف از انتشار این عکس ظاهرا پرکردن خلأ عدم انتشار عکسی از عملیات و نتایج این عملیات به‌کلی سری بود. آمریکا بدون اطلاع مطلق دولت پاکستان حمله کرد، چون مطمئن نبود که اگر دولت پاکستان مطلع شود، بن‌لادن از مخفیگاه خود خواهد گریخت. این عکس بی‌ظنیر، مقامات عالی درگیر در این عملیات به‌کلی سری را نشان می‌دهد. رئیس‌جمهور، معاون‌اول رئیس‌جمهور، وزیر خارجه، وزیر دفاع، رئیس‌سما، مشاور امنیت ملی و ژنرال فرمانده عملیات در اتاق حضور دارند. این تصویر به خوبی دو چیز را نشان می‌دهد. رده بسیار بالای اطلاعاتی، امنیتی وزیر خارجه و نقشش او در فرایند تصمیم‌گیری سری‌ترین عملیات نظامی، امنیتی جاسوسی و هماهنگی بسیار بالای آنان بر سر موضوعی که همین ترکیب درباره‌اش تصمیم‌گیری کرده‌اند و حضور تعداد کم نظامیان در قیاس با اهمیت سیاسی، شاخص تعداد کم نظامیان در تصمیم‌گیری راهبردی دولت آمریکاست. همین ساختار تقریبا شورای‌عالی امنیت ملی ایران را تشکیل می‌دهد؛ نهاد هماهنگی میان وزارتخانه‌ها و سازمان‌های سیاسی و وزارتخانه‌ها و سازمان‌های نظامی و اطلاعاتی و امنیتی، در ایران البته از زمان دولت احمدی‌نژاد نقش هماهنگی شورای‌عالی امنیت ملی نیز به حاشیه رفته و این‌وضع هنوز هم ادامه دارد. شما به‌عنوان یک روزنامه‌نگار می‌توانید اظهارنظرهای رسانه‌ای نظامیان ایران و نظامیان قدرتمندترین دولت‌های جهان را مقایسه کنید. تعدد اظهارنظرکنندگان نظامی در ایران گاه چندبرابر نظامیان قدرتمندترین کشورهای جهان است. محتوای اظهارنظرهای نظامیان ایران هم سیاسی، غیرضروری و غالبا بی‌ارتباط با وظایف نظامی است. با لباس نظامی سخنرانی سیاسی می‌کنند. پاسخ مقامات سیاسی دنیا را می‌دهند. در دوران جنگ، در شرایطی که نظامیان نقش بی‌بدیل دفاع بی‌امان از امنیت ملی در مقابل تهاجم نظامی را برعهده داشتند، اظهارنظرها و اطلاع‌رسانی‌ها نسبت به حتی جنگ، در ستاد تبلیغات جنگ توسط غیرنظامیان، به صورت متمرکز هماهنگ و پیگیری می‌شد.

۲ اساسا به نظر شما ایجاد هماهنگی بین این دو نهاد (دستگاه دیپلماسی و نهادهای نظامی) شدنی است یا در نهایت این شکاشش، یکی باید به نفع دیگری کنار بکشد؟
حتما تفکیک فعالیت نیروهای مسلح و فعالیت مأموران سیاسی امکان‌پذیر و ضروری است. در یک ساختار هنجار، دخالت سیاسی و فعالیت سیاسی همان‌قدر برای نظامیان ناشایست تلقی می‌شود که کار نظامی برای دیپلمات‌ها ناشایست و ناصحیح است. سیاست‌زدایی از فعالیت‌های نظامی یک اصل اساسی در ساختارهای هنجار جهان است. نظامیان تا زمانی که در کسوت و موقعیت نظامی هستند حق فعالیت سیاسی ندارند و حیطه‌بندی‌های مستحکم میان کار نظامی و کار سیاسی را رعایت می‌کنند. نتیجه تجربه بشری است و کارآمدی و سلامت و اعتبار این تفکیک وظایف نیز به اثبات رسیده است. اگر نظامیان قصد کار سیاسی و دیپلماتیک داشته باشند، ابتدا لباس و موقعیت نظامی خود را ترک می‌کنند و سپس به امور سیاسی و دیپلماتیک می‌پردازند. عنوان‌های انقلابی و ارزشی و زنگی ساختاری یک نهاد نظامی هم تغییری در آداب کار نهاد نظامی ایجاد نمی‌کند. منظور از نظامیان تمامی کسانی هستند که سلاح در اختیار دارند و وظیفه دفاع مسلحانه از امنیت کشور را برعهده دارند. هرکس

ادامه از صفحه اول

دلوایسان مخالف خوان

کنند. این در حالی بود که کارشناسان معتقد بودند مخالفان این لوابح حتی مفهوم گروه ویژه اقدام مالی یعنی همان FATF را نمی‌دانند. این ماجرا حتی در مجمع هم ادامه داشت. مجمعی که قرار بود روزگاری گر ه از بن‌بست به نفع مصالح نظام بکشاید، حالا خودش بدل به سد شده است. استدلال اصلی این افراد این بود که مشکلات کشور با اجرای این لوابح برطرف نمی‌شود. چنان‌که با اجرای برجام نیز مشکلات ما حل نشد. اگرچه آنها دلیلی نمی‌بینند توضیح دهند چرا برجام به بن‌بست خورد و آیا موضوع و مسئله برجام و لوابح شبیه همدیگر و یکی است؟ با این حال آنها راهکار مشخصی نیز ارائه نمی‌دهند ولی تأکید دارند دولت باید برای حل مشکل ناکارآمدی از خود شروع کند. روحانی درباره این دلوایسان گفته بود: «دولت لایحه داده، مجلس هم تصویب کرده، پس چه کسی

ادامه از صفحه ۲

محاکم به «شنود» استناد نمی‌کنند

محکومیت عضو شورای شهر شیراز و خبرنگار بازداشتی چه شد؟
شرایط محکومیت یک خبرنگار و مهدی حاجتی، عضو شورای شهر شیراز، سوآلی بود که مطرح شد. اسماعیلی جواب داد: درباره یکی از اعضای شورای شهر شیراز، حکم قطعی صادر شده است و الان هم در حال اجراست. ابتدا باید همگان بپذیریم دآوری در موضوعات، اختلافات و اعمال مجرمانه بر عهده دستگاه قضائی است و از دستگاه قضا دآوری منطبق با قانون را انتظار داشته باشیم. دآوری او را بپذیریم و خود را داور ندانیم. ما که نمی‌دانیم اعمال مجرمانه چه بوده است. اگر فرد در دوره محکومیت، التزام به قانون را نشان دهد، قانون ارفاقاتی را مانند عفو و تقلیل مجازات در نظر گرفته است. خبرنگار پرسید: قرار یک‌میلیاردتومانی برای یک خبرنگار مانند آقای کامظمی قابل تودیع نیست؛ چرا اقدامی نمی‌شود؟ اسماعیلی گفت: اگر همکاران قضائی با نظر شما را قبول داشته باشند که متساب نیست، قبل از رسیدگی در مرحله تجدیدنظر، قرار را تخفیف خواهند داد؛ اگر قرار بر تخفیف باشد، مانعی نمی‌بینیم.

توضیحات درباره ارتباط نامشروع ۱۶ مدیر نفتی با یک خانم

سختکوی قوه قضائیه درباره پرونده‌های اخیر وزارت نفت ازجمله بازداشت یک مدیر نفتی هنگام فرار از کشور و ارتباط نامشروع ۱۶ مدیر نفتی با یک خانم گفت: نباید به مسائل مطرح‌شده در فضای مجازی توجه کرد. بحث خروج ارز با چمدان نبود، وزارت اطلاعات مطلع شد بخشی از درآمدهای فروش نفت در یک صرافی نگهداری می‌شود و بین این صراف با یکی از مدیران شرکت‌های زیرمجموعه وزارت نفت تبانی وجود دارد و گزارش شد که دو نفر دارند از کشور خارج می‌شوند و ارزی همراه آنها نبوده است؛ ارز در حساب صراف در خارج از کشور بود. این دو نفر هنگام خروج از کشور دستگیر شدند. در ادامه تحقیقات، یکی از کارمندان بانک سرمایه مرتبط با این موضوع هم دستگیر شد. تاکنون سه نفر بازداشت شده‌اند. موضوع ۲۵ میلیون یورو در حساب صراف بود که بیش از سه سال بلوکه شده بود. پیگیری‌های قضائی ما باعث شد اولاً ۲۵ میلیون یورو در حساب صراف در خارج از کشور با اقدامات قضائی و اطلاعاتی به حساب وزارت نفت برگردد. در سایه تحقیقات، به پول دیگری هم رسیدیم که در گزارش‌ها نبوده، آن پول را هم به حساب وزارت نفت برگردانیم. این سه نفر بازداشت هستند و تحقیقات در حال تکمیل است. اسماعیلی گفت: درباره موضوع ۱۶ نفر و ارتباط غیراخلاقی مطرح‌شده، پرونده‌ای داریم، ولی این مسائل در آن وجود ندارد. ما در موضوعات منافی عفت ممنوع از تحقیق ونقض هستیم، مگر آنجایی که شاکای خصوصی داشته باشد یا جرم سازمان‌یافته یا آشکار باشد.

ملاقات نمایندگان مجلس با بابک زنجانی

اسماعیلی درباره ملاقات برخی نمایندگان مجلس با بابک زنجانی نیز گفت: چیزی به‌عنوان ملاقات نداشتیم؛ اتفاقی رخ داده که از آن سوءتعبیر شده است. در فرایند پیگیری شناسایی اموال بابک زنجانی و برای بررسی صحت و سقم ادعاهای او، جهت اختلاطاتی که بین بخش‌های مختلف بود، حسب دستور ریاست وقت قوه قضائیه مقرر شد هیئتی مرکب از مقامات قضائی ازجمله معاونان دادستان، ضابطان قضائی، نمایندگان وزارت نفت به عنوان شاکای پرونده، یک نفر از نمایندگان مجلس تشکیل شود تا ادعای بابک زنجانی را بررسی کنند. برخی از جلسات این هیئت در دفتر زندان و بخشی در مراکز قضائی تشکیل شد و در یکی از جلسات تشخیص داده شد محکوم به این کمته بایلد و توضیحاتی بدهد. بابک زنجانی حضور یافت تا حرف‌های او شنیده شود؛ والا موضوعی به‌عنوان ملاقات نمایندگان مجلس با بابک زنجانی نداشتیم.

ورود قوه قضائیه به فساد در فوتبال

سختکوی قوه قضائیه درباره پرونده فساد در فوتبال توضیح داد: وظیفه ما، اقدام قضائی در هر جایی است که فساد وصف مجرمانه داشته باشد. برخی موارد، فساد وصف مجرمانه ندارد، برخی جاها وصف مجرمانه دارد، ولی نیازمند شاکای خصوصی است و تا شاکای نباشد، ما نمی‌توانیم ورود کنیم. در برخی هیئت‌های کمیته‌های انضباطی و اخلاقی فدراسیون فوتبال، برخی همکاران ما حضور دارند؛ اما اینکه پرونده خاصی در این ارتباط در مرجع قضائی تشکیل شده باشد، تا الان گزارش نداشتیم.

واگذاری ۲ خودروسازی چه شد؟

اسماعیلی در پاسخ به این پرسش که چرا واگذاری دو خودروسازی به شرکت‌های کاغذی بوده است، گفت: مدت‌هاست سازمان بازرسی کل کشور در بخش‌های مختلف از جمله واگذاری، تخلف ثبت‌نام مستتریان و افزایش نرخ خودرو ورود کرده و مشغول بررسی است. اگر نتیجه گزارش بازرسی کل کشور حکایت از فساد توأم با جرم باشد، به دادگاه اعلام می‌شود؛ والا نتیجه ارزیابی از سازمان بازرسی به وزارتخانه مربوطه ابلاغ خواهد کرد.